

حجیت ذاتی قطع از منظر امام خمینی (ره) و محقق مظفر (ره)

مهدی شیرزاد^۱

چکیده

حجیت ذاتی قطع در اصول فقه امامیه ذیل بحث از حجیت‌های شرعی با گزاره‌های مختلفی بیان گردیده است؛ تا جایی که برخی ذاتی بودن حجیت آن را نپذیرفته‌اند، اما به جهت آنکه تحقیقی موسّع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است، گستره این بحث که آیا حجیت قطع ذاتی است یا خیر، همچنین منشأ حجیت آن چندان هویدا نیست؛ از این رو پرسش از چرایی و منشأ ذاتی بودن حجیت قطع مسأله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله‌ی پاسخی درخور است. آنچه در این باره به نظر می‌رسد این است که منشأ حجیت قطع، حکم عقل بوده که امری خارج از ذات قطع است. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین نظرات پیرامون ذاتی بودن حجیت قطع از منظر امام خمینی علیه السلام و محقق مظفر علیه السلام انجام شده و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های اصولی با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه آن، تبیین ذاتی بودن یا ذاتی نبودن حجیت قطع و منشأ آن است.

واژگان کلیدی: حجیت، ذاتی، قطع، کاشفیت. ۱۳ ه.ش.

۱. طلبه پایه هفتم مدرسه شهیدین علیهم السلام.

رایانامه: Mahdi2shirzad@chmail.ir

شماره تماس: ۰۹۳۳۵۹۷۶۷۸۵



۱. مقدمه

حجیت ذاتی قطع به عنوان نظری مشهور در اصول فقه امامیه ذیل بحث از حجت‌های شرعی، مطرح شده است. بنابراین نظر، منشا حجیت قطع، ذات قطع بوده و نباید به جست و جوی دلیل خارج از ذات آن پردازیم؛ به همین خاطر است که جعل یا نفی آن نیز توسط شارع محال است. در مقابل، امام خمینی علیه السلام از اصولیانی است که حجیت ذاتی قطع را نپذیرفته و حجیت آن را غیر ذاتی و ناشی از حکم عقل به وجوب اطاعت از مولا می‌داند. اگرچه ایشان نیز جعل یا نفی حجیت قطع را به جهت لزوم محذورات عقلی، محال می‌دانند.

کشف نظر صحیح می‌تواند روشن‌کننده دامنه‌ی کاربرد قطع و میزان قوت استناد به آن به‌عنوان دلیل در استدلال‌ها باشد. زیرا براساس حجیت ذاتی، استناد به قطع تعلیل‌بردار نبوده و نیاز به دلیلی برای اثبات حجیت آن نیست، هرچند متعلق قطع، امری غیر از اراده‌ی مولا نسبت به انجام یا ترک فعلی از سوی مکلف باشد. در حالی که بنا بر عدم حجیت ذاتی، استناد به قطع تنها در مواردی معنا داشته و حجت است که متعلق، اراده‌ی مولا نسبت به انجام یا ترک فعلی از سوی مکلف باشد؛ زیرا حصول حکم عقل بر وجوب اطاعت از مولا فقط در همین موارد است.

مقالاتی مرتبط با این بحث نوشته شده است که از میان آن‌ها مقاله «بررسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون حجیت قطع» مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله، پس از بیان دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون حجیت قطع و اشکالات مربوط به حجیت ذاتی آن، به نقد و بررسی دیدگاه وی پرداخته شده است.

در این مقاله که با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین نظرات پیرامون ذاتی بودن حجیت قطع از منظر امام خمینی علیه السلام و محقق مظفر علیه السلام نوشته شده است، با تتبع آثار اصولی ایشان که با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر شده است به تحلیل نظر ایشان پرداخته شده است؛ با این ساختار که پس از تبیین مفاهیم اصلی، نظر دو طرف و ادله‌ی ایشان بیان شده و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مفاهیم اساسی تحقیق

۲-۱. قطع

قطع در لغت، مصدری از فعل قَطَعَ يَقْطَعُ و به معنای جدا کردن شیء از شیء دیگر یا جدا کردن بعضی از اجزاء شیء از بعضی دیگر است، (ابوالحسن، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۷۶؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۵۵۴) اما در محل بحث و به اصطلاح اصولی، به معنای اعتقادی جازم در منظر قاطع است که احتمال خلاف واقع بودن در آن وجود ندارد، اگر چه مخالف واقع باشد. (حسینی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۹)

۲-۲. ذاتی

«ذاتی» منسوب به ذات بوده که در لغت به معنای حقیقت و ماهیت و نفس شیء است. (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۱؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۳۰۹) البته صاحب کتاب مفردات الفاظ قرآن مدعی است که این معنا، استعاره‌ای است که اصحاب لغت آن را انجام داده‌اند و معنای حقیقی و ذات نیست. (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۳) این کلمه در اصطلاح اصول، به صورت عمده در دو معنا به کار می‌رود؛ یکی به معنای مقوم ذات و ماهیت که همان جنس و فصل بوده، و دیگری به معنای هر چیزی که لازم انفکاک‌ناپذیر شیء دیگر باشد و ذهن ما آن را بدون ضمیمه شدن چیزی به ذات از آن انتزاع کند؛ مثل زوجیت نسبت به چهار. (امام، سیدمحمدرضا؛ جوان، عبدالله، ۱۳۹۵، بررسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون منشأ حجیت قطع، پژوهشنامه متین، شماره ۲، ص ۲؛ هلال، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۴).

۲-۳. حجت

حسب تتبعی که در کتب لغوی انجام شده است، «حجت» در لغت به معنای وجهی است که در هنگام خصومت به وسیله آن ظفر و پیروزی حاصل می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۲۸) این واژه در اصطلاح اصولیان به معنای دلیلی است که به سبب جعل شارع و به عنوان اینکه متعلقش همان واقع است متعلق خود را ثابت کرده، اما به حد قطع نمی‌رسد. (حسینی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۴). روشن است معنایی از حجت که بر قطع صدق می‌کند همان معنای لغوی است.





۳. اقوال در مسأله

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، علمای این علم درباره مسأله «ذاتی بودن یا عدم ذاتی بودن حجیت قطع» به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ از میان دسته اول که معتقد به ذاتی بودن حجیت قطع هستند می‌توان به مرحوم مظفر و از میان دسته دوم به امام خمینی اشاره نمود. در ادامه در خلال بررسی نظریه مرحوم مظفر و امام خمینی به بررسی این دو قول پرداخته خواهد شد.

۳-۱. قول به ذاتی بودن حجیت قطع

همان‌طور که اشاره شد از جمله اصولیان مدافع نظریه ذاتی بودن حجیت قطع می‌توان به مرحوم مظفر اشاره نمود. وی قطع را دارای حجیت ذاتی دانسته و منشأ آن را کاشفیت ذاتی قطع از واقع می‌داند.

۳-۲. قول به وجوب تبعیت از قطع به حکم عقل و ذاتی نبودن حجیت قطع

امام خمینی علیه السلام از معدود اصولیانی است که پس از رواج دیدگاه ذاتی بودن حجیت قطع، آن را مورد نقد قرار داده است. او حجیت را از احکام عقلی یا عقلانی قطع و از عوارض آن می‌داند، که در صورت وجود، چنین حکمی برای آن ثابت خواهد بود، نه اینکه حجیت، ذاتی قطع یا از لوازم ذات قطع باشد. (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۹۵).

۴. ادله اصولیان در مسأله

با بررسی آثار اصولی، ادله‌ای را برای این دو دیدگاه می‌یابیم که به عبارت دیگر، همان منشأهای مختلف حجیت قطع هستند که اصولیان درباره قطع، ادعا نموده‌اند.

۴-۱. ادله قائلان به ذاتی بودن حجیت قطع

به عنوان مقدمه بیان ادله دیدگاه اول باید توجه داشت که خداوند متعال احکامی واقعی را برای مکلفان وضع فرموده تا به آن عمل نمایند که به بیان قرآن کریم این احکام در «لوح محفوظ الهی» قرار گرفته است. پس اگر ایشان، به هر وسیله‌ای بتوانند به آن احکام دسترسی و علم پیدا کنند، در حقیقت، به احکام واقعی علم پیدا کرده‌اند و با عمل بر اساس آن، به صورت یقینی نزد خداوند متعال حجت دارند.

۴-۱-۱. کاشفیت ذاتی قطع از واقع

براساس نظر اصولیانی که قائل به کاشفیت قطع از واقع اند، قطع پیدا نمودن به یک امر همان رسیدن به واقعیت و «لوح محفوظ الهی» و علم پیدا کردن به آن است؛ یعنی کاشفیت از واقع، همیشه در قطع وجود داشته و به بیان دیگر، ذات یا ذاتی آن است؛ زیرا قطع یا همان علم، حقیقتی نوری و محض بوده که هیچ تاریکی و احتمال خطائی در آن وجود ندارد. (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۵) با کشف شدن واقعیت به وسیله قطع و عمل بر اساس آن، به صورت یقینی به حکم الهی عمل شده است، در این صورت از دیدگاه عقل محال است که عمل به قطع یا در حقیقت، عمل بر اساس امر مقطوع، نزد خداوند متعال حجت نباشد.

۴-۱-۱-۱. نقد دلیل اول

قائلان به عدم حجیت ذاتی قطع، در مقام پاسخ به اولین دلیل دسته مقابل می‌گویند: اگر چه قطع در موارد زیادی کاشفیت از واقع دارد، اما این کاشفیت، ذاتی آن نیست؛ زیرا در برخی موارد وجود ندارد، (امام خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۷) که «جهل مرکب» نام دارد. در نتیجه، با توجه به عدم احراز کاشفیت قطع از واقع در تمام موارد آن، نمی‌توان برای قطع به جهت کاشفیت ذاتی از واقع، حجیت ذاتی را اثبات نمود.

۴-۱-۲. کاشفیت ذاتی قطع از واقع در منظر قاطع

قائلین به کاشفیت قطع از واقع در مقام اثبات مدعای خود حجیت قطع را از منظر شخص قاطع بررسی نموده و برای اثبات ذاتی بودن آن، به اعتقاد قاطع در هنگام قطع استدلال کرده و به وسیله برهان خلف، مدعای خود را حتی در فرض «جهل مرکب» اثبات می‌نمایند؛ به این بیان که در فرض قطع قاطع به یک امر حتی در صورت مخالفت با واقع یا «جهل مرکب»، اگر در منظر او این قطع، کاشف از واقع نباشد، به این معنا است که او با بقاء قطع اول، قطعی دیگر به خلاف آن دارد، که چنین امری تناقض بوده و محال است، مگر در صورتی که قطع اول زایل شود که در این صورت، خلاف فرض است. پس بنا بر برهان خلف، عدم کاشفیت قطع از واقع در منظر قاطع امکان ندارد؛ در نتیجه با توجه به اینکه در زمان پیدایش قطع، کاشفیت در تمام موارد در منظر قاطع وجود داشته و از قطع جدا نمی‌شود، پس کاشفیت در منظر او ذاتی قطع است، اگرچه خلاف واقع باشد. (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۷)





۴-۱-۲-۱. نقد دلیل دوم

در نقد بیان قائلین به کاشفیت می توان چنین گفت که: انتقال بحث از صورت کلی و اختصاص آن به منظر قاطع و بررسی و تحلیل قطع در منظر او با بیان دلیل دوم، اگر چه اشکال مربوط به دلیل اول را برطرف نموده و پاسخی به نفی کلی «کاشفیت ذاتی قطع» است، اما به جهت اشکالات زیر، قابل قبول نیست؛

اختصاص بحث کاشفیت به منظر قاطع، از طرفی خروج از محل بحث است؛ زیرا اصولیان در این بحث اصولی به دنبال بررسی حجیت ذاتی قطع به صورت کلی بودند، نه بحث در «منظر قاطع». از طرف دیگر، لازمه این قول اختصاص «کاشفیت ذاتی قطع» به شخص قاطع و یا تغییر در معنای کاشفیت است، در این صورت باید اثبات نمود که همین مقدار از کاشفیت، برای ذاتی شدن کاشفیت به صورت کلی کافی بوده و اختصاص آن به شخص قاطع، مانع از ذاتی شدن آن به صورت کلی و ذاتی شدن حجیت قطع به تبع آن نخواهد شد. اما مرحوم امام علیه السلام معتقد است که اختصاص کاشفیت ذاتی قطع به شخص قاطع و به بیانی دیگر تفاوت کاشفیت در انظار مختلف، مانع «ذاتی شدن آن به صورت کلی» است؛ زیرا امر ذاتی به صورت دائم و نسبت به همه ذاتی است و ممکن نیست نسبت به یک شخص ذاتی بوده و نسبت به دیگری ذاتی نباشد.

به اعتقاد ایشان، کاشفیت از لوازم «وجود» قطع است، نه «ذات و ماهیت» قطع؛ یعنی در هر موردی که قطع، وجود پیدا کند، کاشفیت آن ثابت است، نه اینکه کاشفیت لازمه‌ی ماهیت آن باشد؛ (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۸؛ ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۷؛ ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۳۷۴؛ ۱۴۲۳ ق، ج ۲، صص ۲۹۵-۲۹۴) زیرا در این صورت باید نسبت به ماهیت قطع، ملازم و غیرقابل انفکاک باشد، در حالی که در موارد «جهل مرکب» با ماهیت قطع ملازم نیست. (امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۷) این در حالی است که کاشفیت همیشه ملازم با وجود قطع است، به همین خاطر است که چون قطع در منظر قاطع وجود پیدا کرده است ملازم با کاشفیت خواهد بود، به خلاف غیرقاطع که چون قطع برایش وجود پیدا نکرده است، کاشفیت نیز ندارد.

البته در پاسخ به اشکال مانعیت، گفته شده است که اگر چه قطع فقط در منظر قاطع کاشفیت ذاتی دارد، اما در انظار مختلف این امر از اساس موجب تفاوت آن به گونه‌ای که مستشکل بیان نمود نمی‌شود (تفاوت در ذاتیت نسبت به اشخاص مختلف)، تا در نتیجه مانعی

برای ذاتی شدن آن باشد؛ زیرا در دیدگاه همه انسان‌ها قطع نزد خود قاطع کاشف از واقع است. (امام، سید محمد رضا؛ جوان، عبدالله، ۱۳۹۵، بررسی دیدگاه امام خمینی □ پیرامون منشأ حجیت قطع، پژوهشنامه متین، شماره ۲، ص ۷)

اما چنین پاسخی، اشکال را برطرف نمی‌کند؛ زیرا به اعتقاد مستشکل، به‌طور کلی آن‌چه مانع از ذاتی شدن کاشفیت است تفاوتی است که در منظر قاطع و سایر انسان‌ها نسبت به کاشفیت وجود دارد؛ زیرا برای ذاتی شدن باید در منظر همگان چه قاطع و چه غیر قاطع، کاشف از واقع باشد. درحقیقت، آن‌چه پاسخ‌دهنده اثبات نمود همان «کاشفیت قطع از واقع در منظر قاطع» بوده، نه «کاشفیت قطع از واقع به صورت کلی»، که این مطلب خارج از محل بحث و مورد پذیرش طرف مقابل است.

برای توضیح بیشتر باید گفت که «کاشفیت قطع از واقع در منظر قاطع» امری ثابت و مورد پذیرش دو طرف است؛ زیرا هر دو طرف، در فرض «قطع در منظر قاطع» نفی کاشفیت از قطع را همانند اثبات و جعل آن ممتنع می‌دانند و فقط دلیل امتناع متفاوت است.

قانلان به حجیت ذاتی قطع، با توجه به اینکه قطع را عین کاشفیت و رسیدن به واقع و به عبارت دیگر، کاشفیت را «عین ذات یا ماهیت قطع و یا ذاتی آن» دانستند، برای این امتناع به «استحاله جعل یا نفی ذات و ذاتی شیء» که از برهان‌های فلسفی است استدلال نموده‌اند. (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۵ تا ۲۷)

دسته دوم در مقابل، کلام آنان را نمی‌پذیرند؛ زیرا همان‌طور که بیان شد به اعتقاد ایشان کاشفیت از اساس، حتی در دیدگاه قاطع عین ذات یا ماهیت قطع و یا ذاتی آن نبوده، بلکه از لوازم وجود قطع است. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۸)

با بیانی که گذشت، به اعتقاد دسته دوم، علت امتناع جعل و نفی کاشفیت قطع نمی‌تواند استحاله جعل یا نفی ذات و ذاتی شیء باشد، بلکه علت آن در فرض جعل، لزوم لغویت جعل شارع و استحاله این لغویت، و در فرض نفی، علاوه بر آن، خلاف حکمت شارع و لزوم حصول تناقض در منظر قاطع و استحاله این تناقض است. در توضیح این علت می‌گوییم که کاشفیت برای قطع، امری حقیقی و متکی به عالم واقعیت بوده که گاهی یعنی در همان موارد تطابق با واقع تحقق یافته و گاهی تحقق نمی‌یابد، پس جعل در آن تاثیری نداشته و لغو است؛ زیرا در صورت تطابق با واقع، خود قطع، کاشف واقع بوده و در صورت عدم تطابق با واقع نیز چون





موجب کاشفیت آن نمی‌شود فایده‌ای در این جعل وجود ندارد. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۸؛ ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۷ و ۱۸؛ ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۷۴؛ ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۹۵)

از طرف دیگر، نفی کاشفیت نیز محال است. زیرا در صورت تطابق با واقع، خلاف حکمت بوده و صدور آن از شارع حکیم محال است و در صورت عدم تطابق با واقع، به جهت اینکه کاشفیت، امری حقیقی است، صدور آن لغو خواهد بود. علاوه بر اینکه نفی آن، موجب حصول تناقض در منظر قاطع شده که محال است. وجه استحاله آن، پیرو دلیل دوم قائلان به حجیت ذاتی، بیان شد.

۴ - ۲. ادله قائلان به ذاتی نبودن حجیت قطع

همان‌گونه که گذشت، در مقابل نظریه ذاتی بودن حجیت قطع، دسته‌ای دیگر از اصولیان حجیت قطع را به سبب حکم عقل به «وجوب تبعیت از قطع» می‌دانند. در ادامه به ادله این دسته پرداخته خواهد شد؛

۴ - ۲ - ۱. توضیح ادله قائلان به ذاتی نبودن حجیت قطع

این دسته معتقدند که حجیت قطع، به سبب حکم عقل به «وجوب تبعیت از قطع» بوده که خود، ناشی از حکم عقل به «وجوب اطاعت از مولی» است، در حالی که این حکم عقلی، از واقعیات ثابت برای ماهیت قطع نبوده و خارج از ذات آن است؛ (امام خمینی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۹۴) به بیان دیگر، ذات و ذاتی قطع نیست؛ زیرا این حکم، در همه موارد قطع وجود ندارد، بلکه فقط در مواردی است که متعلق قطع، اراده مولی نسبت به انجام یا ترک فعلی از طرف مکلف باشد، در حالی که متعلق بسیاری از موارد قطع، معلوماتی غیر از آن است؛ به عنوان مثال، در مورد قطع انسان به این که اکسیژن در سیاره مریخ وجود دارد، حکمی از جانب عقل به «وجوب تبعیت از قطع» وجود نداشته، بلکه از اساس، چنین حکمی معنا ندارد. (امام، سید محمد رضا؛ جوان، عبدالله، ۱۳۹۵، بررسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون منشأ حجیت قطع، پژوهشنامه متین، شماره ۲، ص ۹)

البته به اعتقاد این دسته از اصولیان نیز جعل حجیت قطع یا نفی و نهی از عمل به آن، ممتنع است؛ زیرا حجیت آن، به سبب حکم عقل بوده که این حکم در تمام موارد قطع وجود دارد، پس جعل دوباره حجیت لغو بوده و صدور آن از شارع حکیم محال است. (امام خمینی،

۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۷۴) نفی و نهی از عمل به آن نیز به جهت محذورات عقلی، محال خواهد بود؛ زیرا موجب لغویت حکم اول و نقض غرض است؛ همچنین موجب تعلق دو اراده‌ی مختلف (بعث و زجر) در زمان واحد نسبت به یک چیز می‌شود، (امام خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۸؛ امام خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۹۵) که یا به جهت ثبوت مبدأ دو اراده مختلف در نفس مولا امکان عقلی نداشته و یا به جهت تکلیف شارع حکیم به امری که مکلف قدرت بر امتثال آن را ندارد محال خواهد بود. (امام خمینی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۷۵)

۴- ۲- ۱- ۱. نقد ادله قائلان به ذاتی نبودن حجیت قطع

در بیان ادله قائلان به عدم حجیت ذاتی قطع گفته شد که به اعتقاد ایشان حجیت قطع، ناشی از حکم عقل به «وجوب اطاعت از مولی» است و به همین جهت خارج از ماهیت قطع بوده و ذاتی آن نیست. همچنین ایشان ادله دسته مقابل را که در جهت اثبات «کاشفیت ذاتی قطع از واقع» بیان شده بود مخدوش دانسته، اشکالاتی را ذکر نموده و در نتیجه «حجیت ذاتی قطع» را نپذیرفتند. سپس با وجود انکار حجیت ذاتی قطع، جعل و اثبات حجیت و یا نفی و نهی شرعی از آن را به سبب محذورات عقلی، محال دانستند، در حالی که بیشتر محذورات عقلی بیان شده به جز یک مورد کلیت ندارد، بلکه فقط در مواردی است که قطع، مطابق با واقع باشد. اما در غیر این صورت، نفی و نهی شرعی از حجیت قطع، محال نیست. (امام، سید محمد رضا؛ جوان، عبدالله، ۱۳۹۵، بررسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون منشأ حجیت قطع، پژوهشنامه متین، شماره ۲، ص ۱۰)

برای توضیح بیشتر باید گفت که در فرض مطابقت قطع با واقع که مقطوع، همان حکم الهی واقع در «لوح محفوظ» است، اگر شارع حجیت قطع را نفی نموده و یا از عمل به آن نهی نماید که همان نفی حجیت مقطوع یا نهی از عمل به آن است، موجب لغو شدن حکم اول و نقض غرض از تشریح آن شده که صدور چنین کاری از شارع حکیم محال است. افزون بر آن، در فرض مطابقت با واقع، که مقطوع همان حکم الهی و کاشف از اراده او است، نفی حجیت و یا نهی از عمل به آن، بیانگر اراده‌ای مخالف اراده اول بوده که اجتماع آن دو در زمان واحد نسبت به شیء واحد، از اساس، امکان عقلی نداشته و محال است، اما در صورت عدم مطابقت با واقع، هیچ یک از محذورات عقلی نام برده حاصل نمی‌شود؛ زیرا مقطوع در این فرض، حکم الهی و مورد اراده او نبوده و امری ندارد تا لغویت پیدا کرده، نقض غرض شده و یا موجب اجتماع دو اراده‌ی مخالف شود.





البته همانطور که اشاره شد، یکی از محذورات عقلی که همان حصول تناقض نسبت به اراده الهی در منظر قاطع است، عمومیت داشته و فرض عدم مطابقت با واقع را نیز شامل می‌شود؛ زیرا استحاله را در منظر قاطع بیان می‌کند که ارتباطی با عالم واقع ندارد.

برای توضیح این مطلب باید گفت که قاطع، از طرفی مقطوع را همان حکم و اراده‌ی الهی و خود را مأمور به امتثال آن دانسته و از طرف دیگر در صورت نفی حجیت قطع و نهی از عمل به آن، خود را مأمور به ترک عمل به قطع می‌داند، که نفی حجیت قطع و نهی از عمل به آن در این صورت محال است؛ زیرا به جهت آن‌که تاثیری در اعتقاد مکلف نسبت به حکم مقطوع ندارد، لغو بوده و یا در فرض تأثیرگذاری، موجب حصول تناقض نسبت به اراده الهی در منظر قاطع می‌شود؛ همچنین، مصداق تکلیف به امر غیر مقدور است، که در هر سه صورت، چنین کاری از سوی شارع حکیم، قبیح و محال است. (امام، سید محمد رضا؛ جوان، عبدالله، ۱۳۹۵، بررسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون منشأ حجیت قطع، پژوهشنامه متین، شماره ۲، ص ۱۱)

پس نفی حجیت قطع و یا نهی از عمل به آن، با اثبات همین یک مورد به عنوان محذور عقلی، محال خواهد بود.

۵. جمع‌بندی ادله و ارائه نظریه مختار

با توجه به اشکالاتی که نسبت به دیدگاه «ذاتی بودن حجیت قطع به جهت کاشفیت ذاتی از واقع» مطرح شد، «کاشفیت ذاتی قطع از واقع» ثابت نشده و اختصاص آن به شخص قاطع، خروج از محل بحث است. علاوه بر اینکه در این فرض نیز ذاتی بودن کاشفیت ثابت نمی‌شود، بلکه کاشفیت در آن از لوازم وجود قطع است؛ در نتیجه‌ی مخدوش شدن این دو دلیل و با توجه به عدم ملازمت حجیت با ماهیت قطع، ذاتی بودن حجیت قطع نیز اثبات نمی‌شود، بلکه همان‌گونه که در بیان دسته دوم گفته شد، حجیت قطع به سبب حکم عقل به وجوب اطاعت از مولا است. همچنین جعل یا نفی حجیت قطع و یا نهی از عمل به آن، محذورات عقلی داشته و محال است.

۶. نتیجه گیری

از مطالبی که در این مقاله بیان شد دانسته می‌شود که نظر مشهور مبنی بر حجیت ذاتی قطع، دارای اشکالاتی است و از آن‌جا که پاسخی برای این اشکالات نیافتیم، نتیجه می‌گیریم: همان‌گونه که برخی اصولیان مثل امام خمینی علیه السلام معتقد هستند حجیت قطع، ذاتی آن نبوده، بلکه به سبب حکم عقل به وجوب اطاعت از مولا بوده که امری خارج از ذات قطع است. البته هر دو دسته از اصولیان، درباره جعل یا نفی حجیت قطع یا نهی از عمل به آن، اتفاق نظر داشته و آن را محال می‌دانند، اگرچه دلیل ایشان برای استحاله تفاوت دارد.



فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۲. ابوالحسين، احمد بن فارس بن زكريا (۱۴۰۴ق). *معجم مقائيس اللغة* (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
۳. اصفهاني، حسين بن محمد راغب (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن* (چاپ اول). لبنان - سوريه: دار العلم - الدار الشاميه.
۴. امام، سيد محمد رضا؛ جوان، عبدالله (۱۳۹۵ش). *بررسی دیدگاه امام خمینی علیه السلام پیرامون منشأ حجیت قطع*. پژوهشنامه متین، شماره ۲، ص ۲.
۵. امام خمینی، موسوی، روح الله (۱۴۱۵ق). *انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة* (چاپ دوم)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. _____ (۱۴۱۸ق). *تنقیح الأصول* (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. _____ (۱۴۲۰ق). *معتمد الأصول* (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. _____ (۱۴۲۳ق). *تهذیب الأصول* (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. حسینی، محمد (۱۴۱۵ق). *معجم المصطلحات الأصولیة* (چاپ اول). بيروت: مؤسسة العارف للمطبوعات.
۱۰. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم* (چاپ اول). بيروت: دار الفكر المعاصر.
۱۱. صاحب بن عباد، کافی الكفاة، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة* (چاپ اول). بيروت: عالم الكتاب.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *كتاب العين* (چاپ دوم)، قم: نشر هجرت.
۱۳. فیومی، احمد بن محمد مقرئ. (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی* (چاپ اول). قم: منشورات دار الرضی.
۱۴. مظفر، محمد رضا (۱۴۳۰ق). *أصول الفقه* (چاپ پنجم). قم: موسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم.
۱۵. هلال، هیثم (۱۴۲۴ق). *معجم مصطلح الأصول* (چاپ اول). بيروت: دار الجلیل.

